



The Comparison of Effectiveness Types of Parenting Styles on Fundamental Motor Skills Development and Movement Motivation in 4 - 6 age old Children

Sharam Nazarpouri ^{1,*}, Abbass Bahram ², Farhad Gadiri ³, Hamid Rajabi ²

¹ PhD Student, Department Of Motor Behavior, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

² Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

³ Assistant Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

* **Corresponding author:** Sharam Nazarpouri, PhD Student, Department Of Motor Behavior, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: snazarpouri@yahoo.com

Received: 11 Jun 2017

Accepted: 04 Jul 2017

Abstract

Introduction: Parents are the earliest and most decisive factor in motor selection of children and their success. Therefore, the current study aimed at comparing the effectiveness of parenting styles in fundamental motor skills development and movement motivation of children.

Methods: The population of the study included all parents with male children aged 4 to 6 years in Khoramabad city, Iran, of which 240 children were selected using cluster sampling method. Data collection tools included a Baum rind parenting styles questionnaire, the test of gross motor development–2nd edition, and children movement motivation questionnaire. The one-way analysis of variance (ANOVA) at a significance level of < 0.05 was used for statistical data analysis.

Results: The results showed that parenting styles had a significant impact on children's development of fundamental motor skills ($P < 0.001$) and movement motivation ($P < 0.001$) and children with authoritative and permissive parents compared with their counterparts with authoritarian parents had better motor skills development. Also, more than permissive and authoritarian styles, authoritative parenting style led to increased movement motivation in children; permissive parenting style provide better results in comparison with the authoritarian style.

Conclusions: Therefore, education of parenting styles to parents is recommended in order to provide the context of promoting fundamental motor skills development and movement motivation in children.

Keywords: Parenting Styles; Motor Skills; Movement Motivation; Children



مقایسه اثر بخشی انواع شیوه های فرزند پروری والدین بر رشد مهارت های حرکتی بنیادی و انگیزش حرکتی کودکان ۴ الی ۶ ساله

شهرام نظرپوری^{۱*}، عباس بهرام^۲، فرهاد قدیری^۳، حمید رجبی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

^۲ استاد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

^۳ استادیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: شهرام نظرپوری، دانشجوی دکتری، گروه رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. ایمیل: snazarpouri@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۲۱

چکیده

مقدمه: والدین ابتدایی ترین و در اکثر مواقع تعیین کننده ترین عامل انتخاب حرکتی کودک و موفقیت او می باشند. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، مقایسه اثربخشی انواع شیوه های فرزند پروری والدین بر رشد مهارت های حرکتی بنیادی و انگیزش حرکتی کودکان بود. **روش کار:** جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه والدین و فرزندان پسر ۴ الی ۶ ساله آن ها در شهر خرم آباد بود که ۲۴۰ نفر از آنان به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، شامل پرسش نامه شیوه های فرزند پروری بامریند، آزمون مهارت های حرکتی درشت اولریخ- ویرایش دوم، و پرسش نامه انگیزش حرکتی کودکان، بود. داده های پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در سطح معناداری ($P < 0/05$)، مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که شیوه های فرزند پروری والدین بر رشد مهارت های حرکتی بنیادی ($P < 0/001$)، و انگیزش حرکتی ($P > 0/001$)، فرزندان تأثیر معنی داری دارد و فرزندان والدین مقتدر و آسان گیر نسبت به فرزندان والدین مستبد از رشد مهارت های حرکتی بنیادی بهتری برخوردارند. همچنین، شیوه مقتدرانه والدین بیش از دو شیوه آسان گیرانه و مستبدانه و شیوه آسان گیرانه نیز بیش از شیوه مستبدانه، باعث افزایش انگیزش حرکتی فرزندان گردید.

نتیجه گیری: آموزش شیوه های فرزند پروری برای والدین توصیه می شود تا با آگاهی و استفاده از شیوه های مناسب فرزند پروری (مانند سبک مقتدرانه)، بتوانند زمینه ارتقاء رشد مهارت های حرکتی و انگیزش حرکتی کودکان را فراهم کنند.

کلیدواژه ها: شیوه های فرزند پروری، مهارت های حرکتی، انگیزش حرکتی، کودکان

تمامی حقوق نشر برای انجمن علمی پرستاری ایران محفوظ است.

مقدمه

دوران کودکی در میان دوره های زندگی، مهم ترین دوره رشد مهارت های حرکتی به شمار می آید. رشد مهارت های حرکتی کودکان به طور مداوم در طول زندگی تغییر می کند (۱). عنصر اصلی رشد مهارت های حرکتی در این دوره، مهارت های حرکتی بنیادی است که کودکان در سنین ابتدایی شروع به رشد و یادگیری آن ها می کنند. فقدان رشد مهارت های حرکتی بالیده، پیامدهای مستقیمی بر توانایی های کودکان در انجام مهارت های حرکتی دوره های بعدی زندگی دارد (۲). بعلاوه، تأخیر در رشد این مهارت ها منجر به بروز مشکلاتی

در ادراک بصری، ضعف در یادگیری و حتی اختلالات رفتاری خواهد شد (۳). نیوول (۱۹۸۶)، در مدل رشدی خود، عوامل مؤثر بر رشد مهارت های حرکتی را مورد توجه قرار داده و تأکید خاصی بر تعامل ویژگی های ساختاری و کارکردی، تکلیف حرکتی مورد نظر و شرایط محیطی دارد. این مدل، به این نکته اشاره دارد که ویژگی های ساختاری (مانند قد، وزن، طول دست و پا) و کارکردی انسان (از قبیل انگیزه، تجارب گذشته، اعتماد به نفس)، برای درک کامل فرآیند رشد مهارت های حرکتی از اهمیت زیادی برخوردار هستند. در همین راستا،

سه شیوه فرزندپروری مقتدرانه، آسان‌گیرانه و استبدادی مورد بررسی قرار داده‌اند. در شیوه مقتدرانه؛ والدین بر خودمختاری فرزندان تأکید می‌کنند. والدین می‌دانند فرزندان‌شان چه می‌کنند، چه عملی انجام می‌دهند و کجا می‌روند. والدین در این سبک حاضرند خواسته‌هایشان را برحسب موقعیت‌های مختلف تعدیل نمایند و به فرزندان خود متناسب با موقعیت، استقلال و آزادی عمل بدهند (۱۱). در شیوه آسان‌گیرانه؛ والدین نسبت به فرزندان خود گرم و صمیمی هستند و به کودکان خود این آزادی عمل را می‌دهند که همانند بزرگ‌ترها حق و حقوقی داشته باشند (۱۲). با این وجود، در شیوه مستبدانه والدین از نظر متوقع بودن و داشتن کنترل روانی بر فرزندان خود، در سطح بالایی بوده و پاسخ‌گویی پایینی دارند. آنان آزادی عمل و استقلال اندکی را برای کودکان خود قائل هستند و فرزندان‌شان را تحت مراقبت شدید قرار می‌دهند (۱۳). پژوهشگران اثر شیوه‌های فرزندپروری والدین و تعاملات والدین-فرزندان را بر مشارکت ورزشی، عملکرد و فعالیت بدنی کودکان، مورد بررسی قرار داده‌اند. احسانی (۲۰۰۲)، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی و همچنین مخالفت والدین را یکی از عوامل بازدارنده مشارکت در فعالیت‌های ورزشی کودکان، عنوان نموده‌است (۱۴). سیگموند، ترنوا، سیگموندوا و پریدلوا (۲۰۰۸)، رابطه مثبتی را بین میزان فعالیت بدنی والدین و میزان فعالیت بدنی فرزندان‌شان گزارش نمودند (۱۵). جاگو، داویسون، بروکمن، آنجی و پجیا (۲۰۱۱)، نشان دادند که میانگین مدت زمان فعالیت بدنی فرزندان مادران با سبک آسان‌گیرانه نسبت به فرزندان مادران با سبک مقتدرانه، بیشتر بود (۱۶). عبدی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود نشان دادند که بر خلاف شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و آسان‌گیرانه، ارتباط مثبت و معناداری بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین با سطح فعالیت بدنی فرزندان‌شان وجود دارد (۱۰). با این وجود، نتایج پژوهش سامرز و مورگان (۲۰۰۶)، رابطه معنی‌داری را بین شیوه‌های فرزندپروری و نگرش نوجوانان نسبت به ورزش و فعالیت بدنی نشان نداد (۱۷). داسینگر (۲۰۱۴)، در پژوهش خود که به بررسی ارتباط فشار والدین، اضطراب و عملکرد شناگران پرداخت؛ نشان داد که فشار اعمال شده از جانب پدر و مادر اثری بر قصد ادامه به فعالیت ورزشی و تعهد آن‌ها نخواهد داشت. همچنین، در خصوص نقش والدین در رشد حرکتی فرزندان پژوهش‌های محدودی صورت گرفته‌است (۱۸). به‌طور مثال؛ لی (۱۹۸۰)، در پژوهش خود مشخص نمود؛ کودکانی که توسط مادران غیرمستبد تربیت می‌شوند، در مهارت‌های پریدن و دویدن عملکرد بهتری دارند (۲). چیانگ، لین و لی (۲۰۱۵)، در پژوهش خود گزارش نمودند که شایستگی مراقبت ادراک شده مادر، عامل مهمی برای رشد حرکتی اطفال است (۱۹). هننسی و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کودکان برخوردار از شیوه فرزندپروری مقتدرانه و آسان‌گیرانه، نسبت به کودکان با شیوه فرزندپروری مستبدانه؛ رشد شناختی و حرکتی سریع‌تری دارند (۲۰). با توجه به مبانی نظری یادشده، می‌توان گفت که والدین در توسعه نگرش‌ها و رفتارهای فرزندان به‌سمت فعالیت بدنی و مشارکت ورزشی، و همچنین ارضای نیازهای روانشناختی و بهزیستی فرزندان‌شان نقش برجسته‌ای دارند. بنابراین، با توجه به اهمیت رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی و انگیزش برای حرکت کودکان در رشد همه‌جانبه فرزندان، این سؤال مطرح می‌شود که آیا انواع شیوه‌های فرزندپروری والدین

انگیزه یکی از ویژگی‌های مهم کارکردی مرتبط با رفتارهای حرکتی است (۲). افراد نه‌تنها از لحاظ رشد مهارت‌های حرکتی، بلکه از لحاظ میزان انگیزش برای حرکت و کسب موفقیت، نیز متفاوت هستند. انگیزه به‌عنوان سائق‌ها، نیازها و امیالی که جهت، شدت و ثبات رفتار را به‌سمت هدف تنظیم می‌کنند، تعریف شده‌است. به‌عبارت دیگر؛ آنچه به رفتار نیرو می‌دهد، هدایت می‌کند، حفظ می‌دارد و پایایی می‌بخشد؛ انگیزش است (۴). طبق نظریه بارش انگیزشی تلن (۲۰۰۵)، انگیزش یکی از چندین مؤلفه درون فردی حیاتی است که باید برای ظاهرشدن رفتار جدید در کودکان مدنظر قرار گیرد. بر این اساس، انگیزش حرکتی کودکان با کسب هر موفقیت کوچکی در محیط، بیش از پیش افزایش می‌یابد. به‌موجب عمل تحریک انگیزش درجایی که موفقیت‌های متوالی حادث می‌شود، انگیزه بیشتر و بیشتری برانگیخته می‌شود (۵). آدلف و وریجکن (۱۹۹۹)، یکی از دلایل عقب‌افتادگی برخی از کودکان نسبت به کودکان دیگر در اکتساب بارزهای حرکتی چون سینه‌خیزرفتن، چهاردست و پرفتن و راه‌رفتن مستقل را عدم داشتن انگیزش حرکتی مطلوب دانسته‌اند (۶). در همین زمینه، آتن‌اینی و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهش خود گزارش نمودند که کودکان دارای انگیزش حرکتی بالاتر از رشد حرکتی سریع‌تری برخوردارند. در حقیقت، سائق حرکتی کودکان با حرکت برانگیخته می‌شود، کودکان با انگیزش حرکتی بیشتر نسبت به سایر کودکان، در زمان آموختن مهارت جدید، دست به‌مخاطره می‌زنند، با سرعت بیشتری حرکت می‌کنند و به جستجوی محیط اطراف خود می‌پردازند (۷). رشد مهارت‌های حرکتی و انگیزش برای حرکت کودکان هم‌زمان با رشد فیزیولوژیکی آنان، می‌تواند بر اساس چگونگی تعامل با اطرافیان که به میدان تجربی کودک نظم و جهت می‌دهند، متحول شود (۸). براساس دیدگاه سیستم‌های پویا، الگوهای حرکتی کودکان در نتیجه ترکیب تقریباً نامحدود تعاملات فردی، محیطی و نیازهای تکلیف به‌وجود می‌آید. طبق این دیدگاه سیستمی، رشد مهارت‌های حرکتی زمانی به‌وجود می‌آید که یک یا چند زیرسیستم تغییر یابد (۲). براین اساس، چگونگی وضعیت اجتماعی والدین، نحوه تعاملات والدین-فرزندان و جو حاکم بر خانواده، از جمله عوامل محیطی تأثیرگذار بر رشد صفات، ظرفیت‌ها و خصوصیات بارز حرکتی کودکان است (۹). خانواده و بخصوص والدین، ابتدایی‌ترین و در اکثر مواقع تعیین‌کننده‌ترین عامل انتخاب حرکتی کودک و موفقیت او می‌باشند، زیرا عمیق‌ترین تأثیر را روی نگرش و انتظارات کودک نسبت به فعالیت دارند. بسته به دیدگاه والدین درباره فعالیت‌های بدنی، فرزندان‌شان ممکن است؛ نقش حرکتی را بپذیرند یا نپذیرند. فرزندان بسیاری از ویژگی‌های حرکتی که شبیه حرکات والدین خودشان می‌باشند را فرا می‌گیرند. پدر و مادر، هر دو در شکل‌گیری خصیصه‌های فردی فرزند خود نظیر؛ حرکات اشاره دست هنگام صحبت کردن، شیوه راه‌رفتن و وضعیت بدن نقش دارند. کودکان این عادات حرکتی را از طریق مشاهده والدین خود و در مدت زمانی طولانی فرا می‌گیرند (۲). طبق نظریه "خودمختاری" رایان و دسی (۲۰۰۰)، انسان موجودی فعال، دارای نیازهای روان‌شناختی، انگیزه درونی متفاوت و گرایشی ذاتی برای تسلط بر محیط پیرامون خود است. از این جهت، والدین با حمایت خود به ارضای این نیازها کمک نموده و زمینه دستیابی به سطوح بالای بهزیستی در افراد را فراهم می‌نمایند (۱۰). دارلینگ و اشتنبرگ (۱۹۹۳)، نحوه تأثیرگذاری والدین بر نیازهای فرزندان خود را در قالب

(شیوه مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه)، می‌توانند اثرات متفاوتی بر رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی و انگیزش حرکتی کودکان داشته باشند؟ تاکنون مطالعات محدودی در خصوص بررسی اثر انواع شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی کودکان انجام شده و پژوهشی که اثر انواع شیوه‌های فرزندپروری والدین بر انگیزش حرکتی فرزندان را بررسی نماید، تاکنون انجام نشده است. لذا، پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی انواع شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه والدین، بر رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی و انگیزش حرکتی کودکان، انجام گرفته است.

روش کار

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه والدین و کودکان پسر ۴ الی ۶ ساله آن‌ها در آموزش و پرورش منطقه یک شهر خرم‌آباد بود که در نهایت ۲۴۰ نفر از بین آنان به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات: در این پژوهش ابزارهای مورد استفاده عبارت بودند از: الف) پرسش‌نامه محقق ساخته اطلاعات فردی والدین و کودکان: در این پرسش‌نامه سطح تحصیلات والدین، میزان طلاق، غیبت و عدم حضور والدین در خانه، بیماری یا معلولیت والدین و کودکان، وضعیت شغلی، اعتیاد، تعداد فرزندان و میزان درآمد خانواده، مورد پرسش قرار گرفته است. بعد از تکمیل و جمع‌آوری اطلاعات این پرسش‌نامه تلاش شد؛ والدین و فرزندان‌شان سالم و از نظر وضعیت اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی در سطحی همسان، انتخاب شوند. در انتهای این پرسش‌نامه، رضایت‌نامه مورد نیاز برای شرکت در پژوهش جهت ارائه به والدین، گنجانده شده بود (۳). ب) پرسش‌نامه شیوه فرزندپروری بامریند (PSQ: Baum rind's Parenting Styles Questionnaire): این پرسش‌نامه توسط بامریند (۱۹۷۲)، ساخته و شامل ۳۰ ماده یعنی ۱۰ ماده برای هر یک از شیوه‌های مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه است. شیوه نمره‌گذاری این پرسش‌نامه از نوع لیکرت ۵ ارزشی است که از گزینه‌های "کاملاً مخالف" تا "کاملاً موافق" پراکندگی دارد. بامریند (۱۹۷۲)، میزان اعتبار این پرسش‌نامه را با استفاده از روش بازآزمایی برای شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه ۰/۹۲، برای شیوه آسان‌گیرانه ۰/۸۱ و برای شیوه مستبدانه ۰/۸۵ گزارش نموده است (۲۱). اسفندیاری (۱۹۹۵)، میزان اعتبار این مقیاس را برای شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۷ و ۰/۷۳ گزارش نموده است. همچنین، در پژوهشی که توسط رئیسی (۱۳۸۷)، انجام شد؛ پایایی این پرسش‌نامه به شیوه بازآزمایی به ترتیب برای شیوه‌های آسان‌گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه ۰/۶۹، ۰/۷۳ و ۰/۷۷ گزارش گردیده است (۲۲). پ) آزمون رشد حرکتی درشت اولریخ- ویرایش دوم (Ulrich's gross motor development test II: TGMD-2): این آزمون، ۱۲ مهارت حرکتی درشت را می‌سنجد، که در برگرفته دو خرده مقیاس جابجایی شامل مهارت‌های دویدن، یورتمه رفتن، لی لی، گام کشیده (توانایی اجرای مهارت‌های وابسته به پریدن از روی شیء)، پرش افقی و سرخوردن، و همچنین خرده مقیاس کنترل‌لشی، شامل مهارت‌های ضربه زدن به توپ ثابت (با باتون)، دریبل درجا، گرفتن، ضربه زدن با پا، پرتاب از بالای شانه و

غلتاندن توپ از پایین (توانایی غلتاندن توپ بین دو مانع با دست برتر)، است. در این آزمون هر مهارت حرکتی به بخش‌هایی تقسیم و نمرات بر اساس اینکه آیا کودک آن معیارها را نشان می‌دهد یا نه، به صورت نمره‌های صفر و یک داده می‌شود. نمره یک، برای زمانی است که کودک معیار مورد نظر را نشان می‌دهد و نمره صفر زمانی است که کودک مهارت مورد نظر را نشان نمی‌دهد و یا آن را بی‌ثبات نشان می‌دهد (۲). رویی این آزمون ۹۶ درصد و پایایی آن برای خرده آزمون‌ها ۸۷ درصد و برای بهره حرکتی درشت ۹۱ درصد گزارش شده است (۸). این آزمون برای کودکان ۳ تا ۱۱ سال مناسب است (۲). ت) پرسش‌نامه انگیزش حرکتی کودکان (CMMQ: Children Movement Motivation Questioner): این پرسش‌نامه براساس پرسش‌نامه انگیزش حرکتی کودکان که اولین بار توسط دورلپ و بارتلت (۲۰۱۴)، ارائه گردیده، می‌باشد. چهار خرده مقیاس این پرسش‌نامه شامل فعالیت، اکتشاف، انگیزش و سازگاری است و میزان انگیزش حرکتی کودکان با دامنه سنی ۳ الی ۶ سال را اندازه‌گیری می‌کند. مقیاس اندازه‌گیری این پرسش‌نامه از نوع لیکرت ۵ ارزشی است که از گزینه‌های "تا حد زیادی" تا "هرگز" پراکندگی دارد و والدین در هر سؤال می‌بایست میزان انگیزش حرکتی کودکان خود را درجه‌بندی کنند (۴). پس از محاسبه شاخص‌های روایی و پایایی نسخه تدوین شده فارسی CMMQ (تکمیل شده توسط ۴۵۰ نفر از والدین کودکان ۳ الی ۶ ساله در شهر خرم‌آباد)، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۸۷ با فاصله دو هفته به‌دست آمد که نشان‌دهنده روایی و پایایی زمانی قابل قبول این پرسش‌نامه است. روش اجرا: پس از کسب موافقت‌نامه از مدیریت آموزش و پرورش منطقه یک شهر خرم‌آباد و دریافت معرفی‌نامه، محقق اقدام به جمع‌آوری اطلاعات نمود. بر این اساس، با توجه به کسب آمار از آموزش و پرورش منطقه یک، مبنی بر حضور حدود ۵۷۰ کودک پسر ۴ الی ۶ ساله در مراکز پیش‌دستانی این منطقه و با توجه به فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، حداقل حجم نمونه انتخابی قابل قبول ۲۲۰ نفر تعیین گردید. در همین راستا، محقق با اخذ فهرست مراکز پیش‌دستانی و با هماهنگی مدیران این مراکز اهداف و فرآیند پژوهش برای کودکان توضیح داده شد. سپس، پرسش‌نامه‌ها (پرسش‌نامه‌های محقق ساخته و شیوه فرزندپروری)، همراه با فرم رضایت‌نامه به آنان داده شد. کودکان پرسش‌نامه‌ها را به والدین‌شان داده و پس از تکمیل در خانه در زمان مراجعه به مدرسه، آن‌ها را تحویل می‌دادند. به کلیه پاسخ‌دهندگان اطلاع داده شد که شرکت در این مطالعه داوطلبانه بوده و کلیه اطلاعات آن‌ها به شکل محرمانه خواهد بود. به جهت احتمال حذف تعدادی از شرکت‌کنندگان، در ابتدا تعداد ۳۰۰ پرسش‌نامه بین والدین کودکان توزیع گردید که از این تعداد، ۲۴۰ نفر از آنان پرسش‌نامه‌ها را تکمیل و وارد مطالعه شدند و ۶۰ نفر از آنان به دلیل نقص در اطلاعات تکمیلی، عدم تکمیل فرم رضایت‌نامه و یا عدم همکاری از مطالعه خارج شدند. معیارهای ورود برای مطالعه شامل زندگی کودک با هر دوی والدین و برخورداری از سلامت جسمانی، ذهنی، روان‌شناختی و حرکتی هم برای والدین و هم برای کودکان بود و معیارهای خروج شامل زندگی کردن کودک با یکی از والدین، داشتن هرگونه اعتیاد به مواد مخدر از سوی والدین و داشتن معلولیت و یا مشکلات ذهنی، جسمانی، حرکتی و روان‌شناختی هم

مهارت‌های جابجایی فرزندان دارای والدین با شیوه فرزندیپروری مقتدرانه با مستبدانه ($S.E = 0.795$, $P = 0.001$) و آسان‌گیرانه با مستبدانه ($S.E = 0.746$, $P = 0.002$) معنی‌دار اما، این اختلاف برای شیوه فرزندیپروری مقتدرانه با آسان‌گیرانه ($S.E = 0.774$, $P = 0.413$)، معنی‌دار نیست. همچنین، نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد، اختلاف بین رشد مهارت‌های حرکتی (مهارت‌های کنترل شیء)، در فرزندان سه گروه از والدین با شیوه فرزندیپروری مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه ($S.E = 43.77$, $P = 0.001$)، معنی‌دار است. در همین راستا، نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان داد که اختلاف میانگین مهارت‌های کنترل شیء فرزندان دارای والدین با شیوه فرزندیپروری مقتدرانه با مستبدانه ($S.E = 0.736$, $P = 0.001$)، و شیوه آسان‌گیرانه با مستبدانه ($S.E = 0.691$, $P = 0.001$)، معنی‌دار اما، برای شیوه فرزندیپروری مقتدرانه با آسان‌گیرانه ($S.E = 0.717$, $P = 0.998$)، معنی‌دار نیست. در نتیجه، این نتایج نشان می‌دهد که کودکان برخوردار از شیوه فرزندیپروری مقتدرانه و آسان‌گیرانه نسبت به کودکان برخوردار از شیوه فرزندیپروری مستبدانه، رشد مهارت‌های حرکتی (مهارت‌های جابجایی و کنترلی)، بالاتری دارند. از طرفی، تفاوت معنی‌داری در رشد مهارت‌های حرکتی (جابجایی و کنترل شیء)، در کودکان برخوردار از شیوه فرزندیپروری مقتدرانه و آسان‌گیرانه وجود ندارد.

همچنین، همان‌طور که نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در جدول ۳ نشان می‌دهد، اختلاف بین میزان انگیزش حرکتی در فرزندان سه گروه از والدین با شیوه فرزندیپروری مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه ($F = 10.774$, $P = 0.001$)، معنی‌دار است. شایان ذکر است، برای تعیین معناداری اختلاف بین سه گروه از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد که نتایج این آزمون نشان داد؛ اختلاف میانگین انگیزش حرکتی فرزندان والدین آسان‌گیر با مستبد ($S.E = 1/80$, $P = 0.001$)، مقتدر با آسان‌گیر ($S.E = 1/86$, $P = 0.001$)، و مقتدر با مستبد ($S.E = 1/91$, $P = 0.001$)، معنی‌دار است. این نتایج نشان می‌دهد که فرزندان برخوردار از شیوه فرزندیپروری مقتدرانه نسبت به دو گروه دیگر از انگیزش حرکتی بالاتری برخوردارند. همچنین، فرزندان برخوردار از شیوه فرزندیپروری آسان‌گیرانه نسبت به فرزندان دارای والدین مستبد، انگیزش حرکتی بالاتری دارند.

برای والدین و هم برای فرزندان‌شان بود. در همین راستا، تلاش گردید تا کلیه آزمودنی‌های انتخاب شده از نظر وضعیت اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی نیز در سطحی همسان باشند. بعد از تحلیل داده‌های پرسش‌نامه‌ها و انتخاب شرکت‌کنندگان واجد شرایط، هر کدام از کودکان برحسب شیوه فرزندیپروری والدینشان در یکی از سه گروه فرزندیپروری مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه گماشته شدند. سپس در مرحله بعدی پژوهش، از تک‌تک کودکان آزمون رشد مهارت‌های حرکتی درشت به‌عمل آمد و پرسش‌نامه انگیزش حرکتی کودکان نیز توسط والدین آنان تکمیل و جمع‌آوری گردید. روش آماری: در این پژوهش به‌منظور خلاصه و دسته‌بندی کردن اطلاعات، از آمار توصیفی و به شکل محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی (میانگین و انحراف استاندارد)، استفاده شد. در ادامه، برای مقایسه اثربخشی شیوه‌های فرزندیپروری والدین بر رشد مهارت‌های حرکتی و انگیزش حرکتی آزمودنی‌های پژوهش، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. کلیه عملیات آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS، نسخه ۲۰ و در سطح معناداری $P < 0.05$ انجام شده است.

یافته‌ها

اطلاعات توصیفی مربوط به مشخصات عمومی شرکت‌کنندگان (سن، قد و وزن)، و متغیرهای پژوهش در جدول ۱، نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود؛ میانگین و انحراف معیار نمره کل انگیزش حرکتی گروه‌های مورد مطالعه به‌ترتیب برای گروه مقتدرانه ($191/34(8/43)$ ، آسان‌گیرانه ($176/62(11/48)$) و گروه مستبدانه ($164(14/17)$) بود. همچنین، میانگین و انحراف معیار نمره رشد مهارت‌های حرکتی در مقیاس جابجایی به‌ترتیب برای گروه مقتدرانه ($32/43(5/44)$ ، آسان‌گیرانه ($31/44(4/44)$) و مستبدانه ($28/90(4/45)$) و در مقیاس کنترل شیء به‌ترتیب برای گروه مقتدرانه ($29/80(4/12)$ ، آسان‌گیرانه ($29/76(4/54)$) و مستبدانه ($24/01(4/75)$)، بود.

همان‌طور که نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در جدول ۲ نشان می‌دهد، اختلاف بین رشد مهارت‌های حرکتی (مهارت‌های جابجایی)، در فرزندان سه گروه از والدین با شیوه فرزندیپروری مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه ($F = 10/81$, $P = 0.001$)، معنی‌دار است. در همین راستا، آزمون تعقیبی توکی نشان داد که اختلاف میانگین

جدول ۱: آماره‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار)، ویژگی‌های عمومی شرکت‌کنندگان و متغیرهای پژوهش

گروه‌ها	تعداد	سن (سال)	قد (سانتی‌متر)	وزن (کیلوگرم)	انگیزش حرکتی	رشد حرکتی
شیوه مقتدرانه	۹۰	۵/۳(۱/۴۵)	۱۲۰/۴۳(۵/۳۴)	۲۳/۱۴(۱/۵۴)	میانگین (انحراف معیار)	جابجایی (میانگین (انحراف معیار)) کنترل شیء (میانگین (انحراف معیار))
شیوه آسان‌گیرانه	۷۰	۵/۴(۱/۷۸)	۱۱۸/۷۴(۵/۳۵)	۲۲/۱۷(۱/۴۵)	میانگین (انحراف معیار)	جابجایی (میانگین (انحراف معیار)) کنترل شیء (میانگین (انحراف معیار))
شیوه مستبدانه	۸۰	۵/۷(۱/۵۴)	۱۱۷/۳۱(۵/۳۴)	۲۲/۷۸(۱/۷۰)	میانگین (انحراف معیار)	جابجایی (میانگین (انحراف معیار)) کنترل شیء (میانگین (انحراف معیار))

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس یک طرفه؛ مقایسه اثر بخشی شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رشد حرکتی (مهارت‌های جابجایی و کنترل شیء)، آزمودنی‌ها

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	P
مهارت‌های جابجایی				۱۰/۸۱	۰/۰۰۰
بین گروهی	۵۱۰/۱۶	۲	۲۵۵/۰۸		
درون گروهی	۵۵۸۸/۵۶	۲۳۷	۲۳/۵۸		
کل	۶۰۹۸/۷۳	۲۳۹			
مهارت‌های کنترل شیء				۴۳/۷۷	۰/۰۰۰
بین گروهی	۱۷۷۱/۰۸	۲	۸۸۵/۵۴		
درون گروهی	۴۷۹۴/۸۱	۲۳۷	۲۰/۲۳		
کل	۶۵۶۵/۸۹	۲۳۹			

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس یک طرفه؛ مقایسه اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری والدین بر انگیزش حرکتی آزمودنی‌ها

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	P
بین گروهی	۲۷۹۱۲/۶۵	۲	۱۳۹۵۶/۳۲	۱۰/۷۴	۰/۰۰۰
درون گروهی	۳۲۵۱۰/۹۲	۲۳۷	۱۳۷/۱۷۷	۱۰/۷۴	۰/۰۰۰
کل	۶۰۴۲۳/۵۸	۲۳۹		۱۰/۷۴	۰/۰۰۰

بحث

خانواده اولین و مهم‌ترین نیروی اجتماعی شدن و بستر فعلیت یافتن قابلیت‌ها و استعدادهاى کودکان است که در آن بخش اعظمی از رشد همه‌جانبه کودکان در حوزه‌های جسمانی، حرکتی، عاطفی و اجتماعی شکل می‌گیرد (۲). بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر، مقایسه اثربخشی شیوه‌های گوناگون فرزندپروری والدین (شیوه مقتدرانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه)، بر رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی و انگیزش حرکتی فرزندان، بود. بخشی از نتایج پژوهش حاضر، نشان داد که شیوه فرزندپروری والدین بر رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی فرزندان تأثیر معنی‌داری دارد و کودکان برخوردار از شیوه فرزندپروری مقتدرانه و آسان‌گیرانه، نسبت به کودکان برخوردار از شیوه فرزندپروری مستبدانه، رشد مهارت‌های حرکتی (جابجایی و کنترل شیء)، بالاتری دارند. از طرفی، تفاوت معنی‌داری بین کودکان برخوردار از دو شیوه فرزندپروری مقتدرانه و آسان‌گیرانه والدین، دیده نشد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقی لی (۱۹۸۰)، چیانگ (۲۰۱۵)، و هنسنی و همکاران (۲۰۱۵) همسو و با یافته‌های تحقیقی سامرز و مورگان (۲۰۰۶)، و داسینگر (۲۰۱۴)، ناهمسو است. شیوه‌های فرزندپروری به‌عنوان ویژگی از والدین که در طول زمان، زمینه‌های محیطی و عاطفی را برای پروردن کودکان شکل می‌دهند، در نظر گرفته می‌شوند. در همین راستا، راهبردهای تشویقی و یا ممانعتی که والدین در شیوه‌های فرزندپروری نشان می‌دهند، ممکن است در ترغیب یا سرخوردگی کودکان برای انجام فعالیت‌های بدنی و رفتارهای حرکتی مؤثر باشد. اگر رفتار حرکتی کودک طوری باشد که وی از بابت آنچه انجام می‌دهد؛ پاداش دریافت نماید، احتمال دارد که آن رفتار را دوباره تکرار کند. با این حال، نادیده گرفتن رفتارهای حرکتی کودکان از سوی والدین یا عکس‌العمل منفی در مقابل آن‌ها، ممکن است باعث توقف این رفتارها شود (۲۳). اثرگذاری شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رفتارهای حرکتی فرزندان‌شان، ممکن است

آگاهانه یا نیمه‌آگاهانه باشد (۲). به‌طور مثال؛ والدین مقتدر با حمایت از استقلال فرزندان‌شان قادرند رفتارهای حرکتی آنان را در قالب یک الگوی مثبت نظارت و کنترل کنند، رفتار مستقل را تقویت کنند و با آموزش، حمایت و الگوبودن برای فرزندان، راهکارهای دستیابی به کسب مهارت‌های حرکتی و موفقیت آنان را تقویت نمایند. از طرفی در شیوه مستبدانه؛ والدین کنترل بیش از اندازه، همراه با توقعات خشک و غیرقابل تغییری از فرزندان‌شان را نشان می‌دهند. همچنین عدم توجه به نیازهای فرزندان، عدم تفاهم بین والد-فرزند و یک‌جانبه و دستوری بودن این شیوه، می‌تواند به کاهش تلاش‌های کودک جهت کسب مهارت‌های حرکتی گوناگون منجر شود (۱۰). در نتیجه، همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد، عدم رشد مطلوب مهارت‌های حرکتی بنیادی جابجایی و کنترل شیء فرزندان در شیوه مستبدانه نسبت به شیوه‌های مقتدرانه دور از انتظار نیست. همچنین، والدین آسان‌گیر از نظر سبک پذیرندگی- پاسخ دهنده‌گی در سطح بالایی هستند اما در سبک درخواست‌کنندگی و کنترل در سطح پایینی هستند. آن‌ها نسبت به رفتارهای فرزندان خود بسیار اغماض کننده‌اند و در رفتار فرزندان‌شان کمتر حالت کنترل‌کنندگی دارند (۲۴). در شیوه آسان‌گیرانه؛ والدین واکنش‌پذیری قابل توجهی نسبت به فرزندان خود ندارند و از قوانین مشخصی برای تربیت آن‌ها استفاده نمی‌کنند. در این شیوه، فرزندان از برخورد خشن و دستوری والدین مستبد رهاگشته و آزادی عمل بیشتری دارند که در مقام مقایسه، شیوه آسان‌گیرانه می‌تواند زمینه تلاش‌های بیشتری برای رشد و یادگیری مهارت‌های حرکتی را فراهم نماید (۲۵). موضوعی که نتایج پژوهش حاضر نیز تأییدکننده آن بود.

بخش دیگری از نتایج پژوهش حاضر، نشان داد که شیوه فرزندپروری والدین بر انگیزش حرکتی فرزندان تأثیر معنی‌داری دارد و فرزندان برخوردار از شیوه فرزندپروری مقتدرانه نسبت به دو گروه دیگر از انگیزش حرکتی بالاتری برخوردارند. همچنین، فرزندان والدین

بیشتری که برای فرزندان فراهم می‌آورد و همچنین به علت ابراز محبت بیشتر والدین آن‌ها، به‌جای برخوردهای خشن و تنبیه‌کننده والدین مستبد؛ وضعیت مطلوب‌تری برای کسب انگیزش حرکتی از منابع اکتشافی و دلبستگی اجتماعی، رقم می‌زند (۱۰).

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، کودکان دست‌پرورده والدین خود هستند و شیوه‌های فرزندپروری و نحوه تعاملات والدین - فرزندان، معلول عوامل مختلفی از قبیل وضعیت اقتصادی خانواده، تولد کودک جدید، آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های خانوادگی، تحصیلات والدین و جنسیت کودک می‌باشد (۱۶). لذا، والدین باید در شیوه‌های تربیتی افراط و تفریط را کنار گذاشته و در کنار آزادی منطقی برای رشد فرزندان خود، کنترل صحیحی بر رفتار آن‌ها اعمال کنند؛ تا از این‌طریق زمینه‌های رشد مهارت‌های حرکتی پیشرفته و انگیزش حرکتی بالای فرزندان خود را فراهم کنند (۱۰). در نتیجه، پیشنهاد می‌شود؛ به‌عنوان یک راهبرد پیش‌گیرانه و ارتقاءبخش رشدی در برنامه‌های بهداشت روانی برای تمامی زنان و مردان به‌ویژه کسانی که در آستانه ازدواج هستند، آموزش شیوه‌های فرزندپروری گنجانده شود تا والدین با آگاهی و استفاده از سبک‌های مناسب فرزندپروری (مانند سبک مقتدرانه)، بتوانند در ارتقاء مطلوب‌تر رشد مهارت‌های حرکتی و انگیزش برای حرکت فرزندان خویش موفق باشند. پژوهش حاضر، محدود به کودکان پسر با دامنه سنی ۴ الی ۶ ساله است؛ لذا، با توجه به تأثیرگذاری والدین بر فرزندان‌شان از بدو تولد، انجام پژوهش‌های مشابهی در خصوص اثرگذاری انواع شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رشد مهارت‌های حرکتی و انگیزش حرکتی هم در دختران و هم در پسران، به‌ویژه در سنین طفولیت ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین، با در نظر گرفتن اهمیت رشد مهارت‌های حرکتی بنیادی و انگیزش برای حرکت کودکان و با توجه به اینکه بررسی اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری والدین بر این متغیرها، در مراحل مقدماتی است؛ پیشنهاد می‌شود برای حصول اطلاعات کاملاً روشن در این زمینه، اثر متغیرهای دیگری مانند نقش برادر یا خواهر بزرگتر یا دیگر اعضای خانواده و دوستان نیز بر رشد مهارت‌های حرکتی و انگیزش برای حرکت کودکان، مورد بررسی قرار گیرد.

سپاسگزاری

از کلیه والدین، کودکان، مدیران و معلمان شهر خرم‌آباد و همچنین همه دوستان گرامی که ما را در کلیه مراحل اجرایی این پژوهش یاری نمودند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنیم.

آسان‌گیر از فرزندان والدین مستبد؛ انگیزش حرکتی بالاتری داشتند. این نتایج با یافته‌های تحقیق احسانی (۲۰۰۲)، سیگموند (۲۰۰۸)، عبدی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۲) و هنسنی (۲۰۱۵)، همسو و با یافته‌های تحقیقی سامرز و مورگان (۲۰۰۶)، جاگو و همکاران (۲۰۱۱)، و داسینگر (۲۰۱۴)، ناهمسو است. ون هاستن (۲۰۰۷)، دو منبع مهم و حیاتی کسب انگیزش برای حرکت را شامل انگیزه اکتشافی و انگیزه اجتماعی دانسته است. این دو منبع برانگیزاننده، از بدو تولد به عنوان یک سائق حرکتی، نیروی رانشی اعمال و رفتارهای حرکتی در طول زندگی را فراهم می‌کنند. در همین زمینه، انگیزه اکتشافی به‌وسیله کنجکاوای جهت کشف اشیاء جدید و مورد علاقه و همچنین فهم و درک قابلیت‌های عملکردی خود فرد، افزایش می‌یابد. منبع دیگر کسب انگیزش حرکتی، انگیزه اجتماعی است. انگیزه اجتماعی، کودک را در زمینه وسیعی از تعاملات انسانی قرار داده و موجب کسب آسایش، امنیت و رضایت‌مندی می‌شود. بدون انگیزه اجتماعی، رشد همه‌جانبه کودکان در معرض خطر قرار می‌گیرد. در واقع، تعاملات اجتماعی باعث تسریع در روند کسب انگیزش برای حرکت و یادگیری مهارت‌های حرکتی جدید می‌شود (۲۵). در همین راستا، با توجه به نتایج پژوهش حاضر، می‌توان گفت که والدین مقتدر نسبت به والدین آسان‌گیر و والدین مستبد، زمینه افزایش بیشتر انگیزه اکتشافی و دلبستگی اجتماعی را در کودکان فراهم می‌کنند. در حقیقت، والدین مقتدر با وجود کنترل و پاسخ‌دهی بیشتر نسبت به فرزندان‌شان زمینه بهتری را برای کسب منابع انگیزش حرکتی (انگیزه اکتشافی و انگیزه اجتماعی) فراهم می‌کنند؛ والدین مقتدر، کودکان را به عنوان افرادی با کفایت و موفق نگریسته و از آنان مطابق با توانایی‌شان انتظار دارند. آن‌ها به شخصیت فرزندان خود احترام گذاشته و فرزندان آن‌ها مستقل، گرم، صمیمی و دارای روحیه همکاری بیشتری نسبت به فرزندان والدین مستبد و آسان‌گیر هستند. فرآیند اکتشاف محیط و دلبستگی اجتماعی که منجر به ارضای نیازهای بهزیستی کودکان می‌شود، در تعاملات مقتدرانه والدین - فرزندان به نحو مطلوب‌تری شکل می‌گیرد. در نتیجه، فرزندان والدین مقتدر متکی به خود، آرام و امیدوار بوده و هویت شخصی آن‌ها آسیب نمی‌بیند (۲۶). کسب منابع بیشتری از انگیزه اکتشافی و دلبستگی اجتماعی توسط والدین مقتدر، به‌ویژه در دوران کودکی، زمینه را برای احساس ارزشمندی و عزت‌نفس بیشتر و در نتیجه بهبود انگیزش حرکتی فرزندان فراهم می‌سازد. این درحالی است که، تعاملات مستبدانه والدین - فرزندان؛ که توأم با برخوردهای خشن، محدودکننده و کنترل افراطی است؛ منجر به از دست رفتن منابع انگیزشی (اکتشاف و دلبستگی اجتماعی)، فرزندان شده و در نتیجه به انگیزش حرکتی فرزندان آسیب جدی وارد می‌کند (۲۷). همچنین تعامل آسان‌گیرانه والدین - فرزندان، به‌خاطر فرصت خودگردانی

References

- Gallahue DL, Ozmun JC, Goodway J. Understanding motor development: Infants, children, adolescents, adults: Boston; 2006.
- Payne VG, Isaacs LD. Human motor development: A lifespan approach: McGraw-Hill Higher Education; 2017.
- Cairney J, Hay J, Faught BE, Corna LM, Flouris AD. Developmental Coordination Disorder, Age and Play: A Test of the Divergence in Activity-Deficit with Age Hypothesis. *Adapt Phys Act Q.* 2006;23(3):261-76. DOI: 10.1123/apaq.23.3.261

4. Doralp S, Bartlett D. Infant Movement Motivation Questionnaire: development of a measure evaluating infant characteristics relating to motor development in the first year of life. *Infant Behav Dev.* 2014; 37(3):326-33. DOI: [10.1016/j.infbeh.2014.04.002](https://doi.org/10.1016/j.infbeh.2014.04.002) PMID: 24861943
5. Thelen E. Dynamic Systems Theory and the Complexity of Change. *Psychoanal Dial.* 2005; 15(2):255-83. DOI: [10.1080/10481881509348831](https://doi.org/10.1080/10481881509348831)
6. Adolph KE, Vereijken B, Denny MA. Learning to crawl. *Child Dev.* 1998;69(5):1299-312. PMID: 9839417
7. Atun-Einy O, Berger SE, Scher A. Assessing motivation to move and its relationship to motor development in infancy. *Infant Behav Dev.* 2013; 36(3):457-69. DOI: [10.1016/j.infbeh.2013.03.006](https://doi.org/10.1016/j.infbeh.2013.03.006) PMID: 23659823
8. Khalaji H. The investigation relationship between anthropometric characteristics and motor performance in children 6 to 8 years' experience and no experience in the arak city. *Arak Med Sci Univ J.* 2004;4(3):18-30.
9. Aalizadeh B, Mohammadzadeh H, Hosseini F. Comparison of anthropometric indicators, physical activity and fundamental movement skills of 7-10 year-old male students with different socio economic status. *Mot Behav.* 2013;5(13):155-65.
10. Abdimoghdam S, Behrozi A, Ramezani R. The relationship between parenting style with children physical activity. *Stud Sport Psychol.* 2013;6:25-36.
11. Darling N, Steinberg L. Parenting style as context: An integrative model. *Psychol Bull.* 1993;113(3):487-96. DOI: [10.1037/0033-2909.113.3.487](https://doi.org/10.1037/0033-2909.113.3.487)
12. Dixon MA, Warner SM, Bruening JE. More than Just Letting Them Play: Parental Influence on Women's Lifetime Sport Involvement. *Sociol Sport J.* 2008;25(4):538-59. DOI: [10.1123/ssj.25.4.538](https://doi.org/10.1123/ssj.25.4.538)
13. Burke M. Familial influence on self-efficacy: Exploring the relationship between perceived parenting style, current social support, and self-efficacy beliefs in a sample of non-traditional college students. 2006.
14. Ehsani M. Level of participation for women in Iran and leisure constraints. *Our common Wealth?*; Manchester, England 2012.
15. Sigmund E, Turonová K, Sigmundová D, Přidalová M. The effect of parents' physical activity and inactivity on their children's physical activity and sitting. *Acta Univ Palack Olomuc Gymn.* 2008;38(4):44-7.
16. Jago R, Davison KK, Brockman R, Page AS, Thompson JL, Fox KR. Parenting styles, parenting practices, and physical activity in 10- to 11-year olds. *Prev Med.* 2011;52(1):44-7. DOI: [10.1016/j.ypmed.2010.11.001](https://doi.org/10.1016/j.ypmed.2010.11.001) PMID: 21070805
17. Summers J, Johnson Morgan M. The impact of parental style on sports consumption preferences of teenagers: an exploratory investigation in the Asia Pacific region. *Asian J Mark.* 2006;12(1):23-34.
18. Dasinger TM. Parental pressure, anxiety, and performance among age group swimmers: *Kinesiology*; 2014.
19. Chiang YC, Lin DC, Lee CY, Lee MC. Effects of parenting role and parent-child interaction on infant motor development in Taiwan Birth Cohort Study. *Early Hum Dev.* 2015;91(4):259-64. DOI: [10.1016/j.earlhumdev.2015.02.005](https://doi.org/10.1016/j.earlhumdev.2015.02.005) PMID: 25756316
20. Hennessey J. Interaction effects of parenting styles and child temperament: Motor, cognitive, and language development in children prenatally exposed to alcohol: Duquesne University; 2015.
21. Baumrind D. The Influence of Parenting Style on Adolescent Competence and Substance Use. *J Early Adolesc.* 2016;11(1):56-95. DOI: [10.1177/0272431691111004](https://doi.org/10.1177/0272431691111004)
22. Tozandehjani H, Tavakolizadeh J, Lagzian Z. The effect of parenting styles on self-efficacy and mental health of students. *Horiz Med Sci.* 2011;17(2):56-64.
23. Rosen LD, Cheever NA, Carrier LM. The association of parenting style and child age with parental limit setting and adolescent MySpace behavior. *J Appl Dev Psychol.* 2008;29(6):459-71. DOI: [10.1016/j.appdev.2008.07.005](https://doi.org/10.1016/j.appdev.2008.07.005)
24. Spera C. A Review of the Relationship Among Parenting Practices, Parenting Styles, and Adolescent School Achievement. *Educ Psychol Rev.* 2005; 17(2):125-46. DOI: [10.1007/s10648-005-3950-1](https://doi.org/10.1007/s10648-005-3950-1)
25. von Hofsten C. Action in development. *Dev Sci.* 2007; 10(1):54-60. DOI: [10.1111/j.1467-7687.2007.00564.x](https://doi.org/10.1111/j.1467-7687.2007.00564.x) PMID: 17181700
26. Sapieja K. Perfectionism and parenting styles in male youth soccer. Edmonton, Alberta: University of Alberta; 2009.
27. Barber B. Introduction-Adolescent socialization. The role of connection, regulation, and autonomy in the family. 101997. p. 5-11.